

بسم الله الرحمن الرحيم!

جوانان، در منجلاب جنگ فکری ویران گر!

(ترجمه)

هنگامی که ارگ نواز (طاسو) موسیقی را شروع می کند، صحنه به طور کامل از رقص جمعی دیوانه وار و غیر شعوری، پر می شود. نکته حیرت انگیزی که تاکنون توضیح داده نشده است این است که رقصندگان جوان چیزهای عجیب و غریبی را در آن صحنه حمل می کردند؛ مانند: لوله های گاز، صندلی ها، رکشا و الاغ ها. همان طوری که در آخرین ویدیویی که در کانال های ارتباط جمعی منتشر شد، رقصندگان (یک الاغ) و قبل از آن (یک رکشا) را حمل می نمودند!

این نوع موسیقی به سبک (طاسو) محدود به یک طبقه یا جامعه خاص نیست؛ بلکه این موسیقی توانسته است که در مدت زمان کوتاهی به همه کتگوری های جامعه نفوذ کند، شما آن را در پایین شهرها و بین محلات عام و پشت بام ساختمان های مناطق ثروت مندان نیز می شنوید. اگرچه این موسیقی با جزئیات آن یک موسیقی خارجی و بیگانه نیز است. (24 فبروری 2020 میلادی)

نباید نادیده گرفت که چرا وضعیت جوانان به چنین بی پروایی و بی مسئولیتی منجر شده است؟

رسانه ها مملو از پروپاگنده های مربوط به دوران نوجوانی می باشند، دوره ای که برای جوانان بسیار بحرانی بوده و انگیزه های شهوانی، خواهشات نفسانی، رویاها و تخیلات، در این دوره به شدت در جوانان متبازز می باشند، مظاهر نشاط و فعالیت در آنان فوران می کند. در این دوره، جوانان بسیاری اهداف خویش را تحت تأثیر شهوات و غرایز، تعیین کرده و تخیل، آنان را برای رسیدن به اهداف شان رهبری می نماید، بر موانعی سر راه خواهشات شان قدم گذاشته و از آن عبور می کنند. تا جای که نیروی ذهنی و قوه تعقل آنان در طول زندگی ضعیف شده و کارایی لازم خویش را از دست می دهد؛ درحالی که تحت کنترل احساس خودخواهی خویش درآمده، علایق شخصی شان بر منافع جامعه سایه می افکند، مفاهیم و ارزش ها در ذهنیت آنان دیگرگون شده، خواسته های شان بر مبنای فضیلت و بهتری، نظم و پیشرفت اجتماعی، تبدیل می شوند. ژان ژاک روسو این واقعیت را در کتاب خود «امیل» با بیان این جمله، بسیار واضح به تصویر می کشاند: "می گویند فضیلت و بهتری دوستی، نظم جامعه و ملاحظه آن است؛ اما آیا این دوستی می تواند نظم را بر خوشی های شخصی من غالب سازد؟! آیا این دلیل کافی برای ترجیح دادن نظم بر لذت من است... ممکن است که همین دوستی نسبت به نظام تبدیل به رذالت شود؛ اما با چهره ای دیگری."

آن ها چنین پروپاگنده هایی را به خورد جوانان می دهند تا اعمال منحرف و بی هوته شان را توجیه کنند. در این شکی نیست که دنبال کردن تمایلات و خواسته های شهوانی، آن هم از هر طریق ممکن، از زندگی یک جوان جدیت و مسئولیت پذیری را می گیرد. تفکر بیش از حد در مورد هوا و هوس، جوانان را از پی گیری قضایای مهم و سرنوشت ساز زندگی دور می کند. تا جای که سرانجام همه چیز را از دست می دهند؛ زیرا آنان دیگر خواسته های شان را ارضاء ساخته نمی توانند. هم چنان از فرصت های زندگی برای کار، آموزش و ساختن شخصیت و جایگاه خویش در جامعه، بهره ای نخواهند برد.

این فرهنگی که دامن‌اش فراگیر شده است، به مغزی فعالیت‌های بی پروایانه و غیرمسئولانه تبدیل شده است، فرهنگ مسمومی که غرب آن را وارد ساخته است، تا عمداً ذهن جوانان را از اسلام به دور نگهدارد. پس از ترویج این شبهه که اسلام گونه‌ای تفکر بدوی و عقب‌مانده‌ای است که انسان‌های بدوی به آن باورمند می‌باشند. تفکری که مانع پیشرفت‌شان می‌شود؛ البته پیش‌رفتی که غرب از آن تعریف دارد. آن‌ها آگاهانه بین تمدن و شهروندی آمیخته‌گی ایجاد کردند. بنابراین، سعی دارند که ذهن جوانان ما را با فرهنگ فاسد خود، غرب‌زده ساخته تا در عوض الگوی اسلامی برای خود، الگوی غربی برگزینند؛ درحالی‌که با این حال هم جوانان نه بیداری کسب کردند و نه پیش‌رفت.

وسایل و روش‌های غرب‌زدگی مسلمانان و گم کردن فرهنگ اسلامی جوانان امت، چند برابر شده است. تنها هدف، از بین بردن هرگونه بیداری و جریانی در سرزمین‌های اسلامی می‌باشد که دشمنان امت می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. بلکه حتی تلاش جدی بر این است تا هیچ‌گونه آثاری از بیداری واقعی بروز نکند؛ زیرا آنان می‌دانند و بر این قناعت و باور کامل دارند که چنین چیزی آغاز پایان اجتناب‌ناپذیرشان است؛ حتی اگر بعد از مدتی هم انجام گیرد.

سیاست منظم دولت‌های منطوقی در گسترش سکولاریسم، منابع منحرف‌کننده و دلهره‌آوری بسیاری را برای پسران و دختران امت ایجاد کرده، توجه و علاقه آن‌ها را به سمت کارهای بی‌هوده سوق داده است، تاجای که این کارهای بی‌هوده برای آن‌ها به یک نگرانی اساسی تبدیل شده، برای آن تمام انرژی خود را به کار می‌گیرند و بیشتر وقت خود را در راستای تحقق خوش‌گذرانی‌های‌شان، صرف می‌کنند. تحت تأثیر آن‌چه قرار دارند که در جوامع غربی می‌باشند؛ مانند: انحرافات اخلاقی، انواع خوش‌گذرانی‌ها، مصرف مواد مخدر و الکل.

اما در خصوص موضوع ارتباطات، اینترنت و سایت‌های ارتباط جمعی با بهانه این که این کانال‌ها توسط افراطیون برای گسترش افکار خشونت‌آمیز و جذب جوانان استفاده می‌شود، سازمان ملل قوانین و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را تصویب کرده است که با استفاده از رسانه‌ها، از طریق اینترنت، موسیقی، هنر، فیلم، طنز، عادات و رسوم بی‌معنی، از هزاران جوان فعال و هنرمند در سراسر جهان در مبارزه با افراط‌گرایی خشن، حمایت می‌کنند. اما درعین حال، ما می‌دانیم که کشورهای غربی طی یک قرن گذشته به نوآوری در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات جمعی دست یافته‌اند. اما آن‌ها این فناوری را به ابزاری برای گسترش فرهنگ سکولاریسم تبدیل کرده و از آن برای ترویج سبک زندگی غربی که فقط به شهوات و به ارزش‌های مادی، مصرفی، فردی و به بی‌پروایی نسبت به مقررات، اهمیت می‌دهد، استفاده کرده است، تا این که از این طریق به نابودی اطفال و جوانان مسلمان بپردازند.

سایت‌های ارتباط جمعی، اطفال و جوانان مسلمان را مسموم کرده‌اند. آن‌ها بیش‌تر وقت خود را مصروف این وسایل بی‌فایده نموده و با دوستان خود؛ به ویژه جنس مخالف (چت) می‌کنند، شایعاتی را که پیرامون شیوه زندگی هنرمندان پخش می‌شود، دنبال می‌کنند. مفکوره‌های وسوسه‌گر؛ مانند: این که می‌توانند فرصت‌های کاری را در زمینه سرگرمی‌ها به دست آورند، یا می‌توانند درآمد سریع را از طریق کار به عنوان بازی‌گر یا خواننده کسب نمایند، باعث شده است تا اطفال و نوجوانان مسلمان، وادار به ایستادن در صفوف طولانی، در هوای گرم و سرد، برای شرکت در دوره‌های آمادگی مسابقات چندین استعدادی شوند.

این فرهنگ غربی به دلیل حمایت دولت‌های منطوقی بسیاری از داشته‌های امت را از بین برده است. این دولت‌ها هیچ‌گاه جوانان را به خاطر سپری کردن زندگی‌شان در کنار رودخانه‌ها، در مهمانی‌ها و حتی در داخل صحن دانشگاه‌ها، مسئول ندانسته و محاسبه‌شان نمی‌کنند. انرژی جوانان امت اسلامی هدر رفته، امکانات‌شان را تلف و توانایی‌های خویش را بدون یک هدف روشن و واضح، از دست می‌دهند. خویشتن را میان چکش و سندان قرار داده، از قضایای مهم و سرنوشت‌ساز امت خود، از بازی کردن در نقش واقعی خود و از دست‌یافتن به هدفی که به خاطرش آفریده شده‌اند، غافل مانده‌اند. هدفی که کسب رضایت الله سبحانه و تعالی در تمام اعمال می‌باشد، سعادت مطلوب هر مسلمانی که خواستار پاداش خود در روز حساب است.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین فرموده‌اند:

«سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمْ اللَّهُ تَعَالَى فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَدْلٌ، وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ...» (رواه البخاری و مسلم)

ترجمه: در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه عرش الهی نیست، هفت گروه در زیر سایه عرش الله سبحانه و تعالی قرار دارند:

خليفة عادل، جوانی که با عبادت الله سبحانه و تعالی رشد یافته است... .

نویسنده: استاد غاده عبدالجبار (أم أواب) - الخرطوم

مترجم: علی مطمئن